

لبخند دیپلما تیک!

خندیدن و بشاشیت هر چند ارزش است اما دنیای دیپلماسی آداب خود را دارد و قهقهه در شان یک دولتمرد آن هم در ترازى عالم رتبه نیست!

خنده در دنیای سیاست مشتمل بر لبخند و تلخند و زهرخند و نیشخند است!

متانت و وقار و تشخیص اصلی ترین توقع از یک دیپلمات عالی رتبه آن هم در نشست های عالی سیاسی و دیپلماتیک با طرف های خارجی است!

نهاد دیپلماسی دولت «تدبیر و امید» مذاکره که بلد نبود!

مبارزه هم که بلد نیست!

کاش لا اقل مشق خندیدن و درست خندیدن می کرد!

#داریوش سجادی

لواشک آلو!

رفتار «سعید ملائی» جودوکاری که بدلیل احتراز از مقابله با حریف اسرائیلی فرصت کسب مدال طلا در مسابقات قهرمانی جهانی جودو در توکیو را کراحتاً واگذار کرد، مؤید یک نابسامانی جدی در ساختار ورزش ایران است!

صورت قضیه شفاف است و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بدلیل برسمیت شناخته نشدن رژیم صهیونیستی توسط ایران و موجودیت نامشروع حکومت اسرائیل، ورزشکاران ایرانی پیرو سیاستگذاری سازمان ورزش ایران از مبارزه با حریفان اسرائیلی در رقابت های ورزشی استنکاف میورزند.

این در حالی است که «ملائی» در حسرت و رغبت به طلای المپیک ۲۰۲۰ با رفتاری ساختارشکنانه از بازگشت به ایران اجتناب و رسماً و علناً اعلام کرد: زیر پرچم کمیته بین المللی المپیک و در تیم پناهندگان به مصاف رقیب اسرائیلی اش می رود و می کوشد با تمرین و پشتکار طلای

المپیک ۲۰۲۰ را تصاحب کند!

نارافیقی ملائی با اردوی جودوی ایران و دهان کجی وی نسبت به سیاست تنزه طلبانه ایران نسبت به حکومت غیرقانونی اسرائیل محصول مناسبات «مدال محورانه» در فونداسیون ورزش ایران است که طی آن اخلاق قربانی اشتهار می‌شود!

اخلاق در ورزش نقطه عزیمت یک ورزشکار در حدفاصل دو رویکرد «پهلوانی» تا «قهرمانی» است!

قدر مسلم این ورزش اخلاق محور است که اثبات کرده ظرفیت آن را دارد تا تاریخ ورزشی جهان را م‌زین به مفاخر ورزشکاری کند که می‌توانند شجاعت نه گفتن به مدال را با نجابت توام با برابری‌شان به پلشتی‌ها، مابه‌ازای استجابت پهلوانی خود از جانب مردم کنند! زنده یاد «تختی» اگر برای مردم‌اش عزیز است عزت‌اش مدیون مدال‌های طلایش نبود!

عزت تختی مدلول صولت مردانه و حشمت پهلوانانه و سلوک خاضعانه‌اش با مردم و خروج تهمته‌ها‌اش با نامردمان‌اش بود!

ورزشکاران ایران اگر نمی‌توانند «تختی» شوند کاش لااقل «محمدعلی» باشند که طلای المپیک‌اش را در اعتراض به منع ورودش به رستوران سفیدپوستان به رودخانه اوهایو پرتاب کرد!

زنده‌یاد علی حاتمی در «حسن کچل» به حلاوت «فخر پهلوانانه» را با «وهم قهرمانانه» به با هجوی نازک‌اندیشانه، ماندگارانه شفافسازی کرد:

حسن کچل: خسته نباشی پهلوون

پهلوون: پاینده باشی جوون

حسن کچل: از کدوم جنگ میایی پهلوون؟

پهلوون: جنگ؟

حسن کچل: آره ، جنگ با اژدهای هزارپای هفت سر!

پهلوون: گفتی اژدها؟

حسن کچل: شایدم دیوا

پهلوون: دیوا؟

حسن کچل: آره پهلوون

پهلوون: تو از پهلوونای قصه حرف می‌زنی، من پهلوون قصه نیستم.

حسن کچل: مگه تو پهلوون نیستی؟

پهلوون هستم اما پهلوون قصه نیستم!

حسن کچل: پس تو از کجا میایی؟

پهلوون: از مسابقه

حسن کچل: از مسابقه؟ مسابقه دیوکُشی؟

پهلوون: بازم میگه دیوا! نه بابا با آدم! آدم با آدم ، حریف با

حریف ، ولی مته دو تا دوست ، دو تا ورزشکار.
حسن کچل: ورزشکار؟
پهلوون: آره ، من سنگ هفتاد منی رو بلند کردم.
حسن کچل: از روی کدوم چاه؟
پهلوون: بازم میگه چاه!
حسن کچل: از جلوی کدوم چشمه؟
پهلوون: چشمه؟
حسن کچل: آره همون چشمه که آبش به رو مردم شهر بسته اس.
پهلوون: من سنگو از رو زمین صاف بلند کردم!
حسن کچل: زدیش رو سر دیوا؟
پهلوون: بازم میگه دیوا! من سنگو گذاشتم سرجاش!
حسن کچل: چرا؟
پهلوون: واسه اینکه اگه یه بند انگشت اشتباه می‌کردم ، بازنده بودم ، آخه گوش تا گوش داور نشسته بود!
حسن کچل(طعنه زنان): خسته نباشی پهلوون(!)
پهلوون: پاینده باشی جوون.
حسن کچل: ولی آخه دیوا چی می‌شن؟
پهلوون: من دارم از حالا خودمو واسه بهار آینده آماده می‌کنم.
حسن کچل: پس تو فکرتی؟!
پهلوون: میخوام تو اون بهار سنگ صدمنی رو وردارم.
حسن کچل: که دوباره بذاری سرجاش؟
پهلوون: آره به یاری حق!
حسن کچل: لواشک آلو!
پهلوون: چی؟
حسن کچل: برگه‌ی هلو!!
پهلوون: چی؟؟
حسن کچل[] (ناامید): خسته نباشی پهلوون!
پهلوون : پاینده باشی جوون!!!
#داریوش_سجادی

ساکنان کاخ شیشه‌ای!

فرای آثار نظامی و اقتصادی حمله به پالایشگاه نفتی سعودی این عملیات از حیث محتوا برخوردار از هوشمندی بالائی بود تا حدی که بخوبی توانست اهدافی فرای پالایشگاه «بقیق» را در عمق استراتژیک ریاض، مورد اصابت قرار دهد.

در مقام تشبیه کروزهای اصابت کرده به پایانه آمریکائی «آرامکو» حکم تدبیر حاذقانه حکیمی را داشت که در «گلستان» بیتابی غلام در کشتی و وحشت وی از دریا را با افکندش در مهیب و نهیب خروشان دریا تشفی داد و غلام مصیبت دیده در بازگشت به کشتی «آرام گرفت» و بصرافت افتاد که:

قدر عافیت آنی داند که به مصیبتی گرفتار آید.

ریاض تا قبل از حملات ۱۴ سپتامبر بدون توجه و تطفن به شدت آسیب‌پذیری‌اش از یک جنگ محتمل در منطقه، به لطائف الحیل می‌کوشید تا واشنگتن را ترغیب و تشجیع به جنگ نیابتی با ایران کند.

مالیخولیای آل‌سعود این امکان را به ایشان نمود تا بفهمند بر فرض ورود مستقیم ارتش ایالات متحده به جنگ با ایران باز هم این عربستان است که بمثابه گوشت مقابل توپ بهترین و نزدیک‌ترین و در دسترس‌ترین هدف در جنگ مفروض است و تاسیسات و تجهیزات و تمهیدات‌اش، خوش‌دست‌ترین هدف کم‌هزینه برای کروزهای از نوع عملیات ۱۴ سپتامبر خواهند بود!

عملیات ۱۴ سپتامبر و عمق استراتژیک مورد اصابت قرار گرفته در این عملیات قبل از «بقیق» و «خریص» فاهمه دولتمردان ریاض را مورد اصابت قرار داد و با صراحت و شفافیت به ایشان فهماند:

آنرا که خانه «نئین» است بازی نه این است! و آنانکه در کاخ شیشه‌ای نشسته‌اند و جبروت‌شان با سنگریزه‌ای می‌شکند عقلاً و قهراً بیشتر موظفند از تنش احتراز جویند. ولو آنکه دلخوش به استتار فتوری و زبونی خود پشت قوای مسلحه مهتران آمریکائی‌شان باشند!

لکن اولیه و چند روزه حکام سعودی در فردای عملیات ۱۴ سپتامبر را باید ناشی از شوک و غافلگیری ریاض تلقی کرد که فهمید در جنگی مفروض با ایران ولو آنکه ریاض‌شان در کنف حمایت «ترامپ» نیز باشد علی‌ایحال هزینه اصلی و خسارت قطعی بر عهده و ذمه حکومتی است که مجبور است با ایران همسایه باشد! و اگر مختصر عقلی در مخیله سعودی باقی مانده در آنصورت می‌بایست غلامانه گوشه‌نشینی در کشتی عافیت «همزیستی مسالمت‌آمیز» با ایران را وجه همت خود قرار دهند! هر چند دولتمردان سعودی هنوز هم تا آن اندازه ذکاوت ندارند تا

بفهمند:

ترامپ مرد جنگ نیست و به تعبیر خودش تخصصش دوشیدن پستان گاوهای
شیرده کاخ‌های شیشه ای سعودی است!

...

#داریوش سجادی

قاتل سحر خدایاری کیست!؟

سحر خدایاری را باید نماینده نسلی تلقی کرد که در گنداب
سیاست بازی و غرقآب ندانم کاری و تعفن ذائقه سازی های مهوع مشتی
بند باز سیاسی کشته شد؟

سحر خدایاری را به کفایت می توان نماد و نماینده نسلی قلمداد کرد
که لامحاله کم وزنی عقلی و بیوزنی هویتی خویش را چلیپا کشی می کنند!
نسلی که در نقطه تباین با نسل دیروزی است که در دهه پنجاه برخلاف
سحر خدایاری و هم ترازان سحر خدایاری دغدغه شان نشستن در استادیوم و
جیغ زدن برای ۱۱ نفر مشنگ تر از خودشان نبود!
نسل دیروز اگر قهری داشت و قهرمانی
اگر دردی داشت و درمانی!

قهر و درد و قهرمان و درمان را از بطن مطالعات فلسفی و مکاشفات
عقلی اش احصا و استحصال می کرد.

دغدغه های نسل من را فرانتس فانون و برتراند راسل و آندره ژید و
مارسل پروست و جمیله بوپاشا و شریعتی و جلال و نهضت حسینی قیام
عاشورا نشانه گذاری می کرد!

حتی خوانندگان نسل من ام کلثومی بود که در جنگ شش روزه آنچنان
مبتهجانه در بسیج سربازان مصری خواند که بعدها مناخیم بگین در
توجیه قتل عام سفاکانه تلزعترا گفت اگر ام کلثوم در ۶۷ آنچنان
سربازان مصری را به وجد نمی آورد ما نیز در تلزعترا آنچنان
نمی کردیم!

نسلی که اگر هم خودزنی می کرد جان شیرین اش را فدیة آرمان های بلند
آزادی و استقلال و مبارزه با استعمار و استبداد می کرد.

شوربختی است که با نسلی مواجه ایم که دغدغه اش فوتبال و نشستن در
استادیومی شده که برون دادش مشتی الدنگ بیسواد و بد دهان اند که
کل افتخارات ملی شان با بلع میلیاردها تومان پول بی زبان، زنگ

تفریح شدن برای فوتبال باشگاه های حرفه ای جهان است!
نسلی که آنچنان مغزشوئی شده که سطح مطالباتش تا زوال نشستن در
استادیوم و جان دادن برای آن نشیمنگاه منحوس تنازل یافته!
ام کلثوم شان نیز ساسی مانکنی شده که جنتلمن است! و خانومش هم
جندرم! و آن روان پریش نیز قهرمان شان شده که از بطن دنیای
کالا انگاری به زن، کور عقلا نه با بیرق روسری های سفید سحر را قربانی
نگاه جنسیتی به زنان در ایران قلمداد می کند.
سحر را شماتت نبایست کرد.
سحرها را به استادیوم راه ندهید
مردها را نیز به استادیوم راه ندهید
اساسا گِل بگیرد درب دنیای فوتبال ایران را که خروجی اش همه چیز
هست جز ورزش!
سحر را خدا داد اما فوتبال مبتذل و منحط ایران و تنازل مطالبات
نسل جوان به چنین انحطاط و ابتذالی سحر و سحرهای بیشمار را از
ما گرفته و می گیرد.
کاش عدلیه ایران نیز قبل از دغدغه نشیمنگاه دخترکان ایران در
استادیوم کمی هم سودای ارتقای اندیشه و عقل و معرفت و شعور این
دخترکان را عهده داری می کرد!
#داریوش سجادی

تحریم دکتر ظریف

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/08/WhatsApp-Video-2019-08-04-at-19.10.24.mp4>

تحریم دکتر ظریف

چرا وزارت خزانه داری آمریکا ، دکتر ظریف را تحریم میکند؟
و اعمال این تحریم را بخاطر ارتباطش با رهبر ایران قلمداد میکند؟

این تحریم را از دو جنبه میتوانیم بررسی کنیم
(۱) یک لایه بیرونی دارد که فقط جنجال رسانه ای و روانی قضیه است، که با نام بردن رهبر ایران؛ سعی در کاور کردن اصل ماجرا از سوی دولت جمهوری خواه امریکا است.

و اما (۲) لایه دوم که لایه درونی و اصل ماجراست اینست که؛ دولت ترامپ بخاطر رفتارهای اخیر غیر دیپلماسی دکتر ظریف بستوه آمده و از دریچه تهدید به آن می نگرد و به همین دلیل او را در لیست تحریم قرار داده است.

زیرا دولت ترامپ معتقد است که دکتر ظریف مدتی در حال رایزنی و برگزاری جلسات خصوصی با دموکرات ها میباشد جهت تضعیف دولت ترامپ و با شگرد دولت سایه سعی میکند برای دولت آینده آمریکا که ممکن است دموکرات ها باشند وقت میخرد تا برجام و توافق هسته ای را احیا کند.

برای تحلیل موجود فکت های مهمی را ارائه میدهم:
دکتر ظریف ۳_۴ بار با جان کری وزیر امور خارجه دولت دموکرات اوباما دیدار داشته است و ترامپ این دیدارها را غیر قانونی عنوان کرده است با توجه به قانون (لوگا) ؛ این قانون شهروندان عادی را از انجام دیپلماسی خارجی به نیابت از دولت امریکا منع میکند.

که در حال حاضر جان کری شهروند عادی امریکائی محسوب میشود.
دوم اینکه در ۲ خرداد ۹۸ دکتر ظریف با خانم دایان فاینشتین سناتور دموکرات ایالت کالیفرنیا جلسه ای خصوصی و بدون هماهنگی های لازم داشته و کسی از محتوای جلسه خبر ندارد.

پس خیلی ساده لوحانه است که باور کنیم دولت امریکا بخاطر ارتباط او با رهبری ، اقدام به تحریم نموده است.

و از سوی دیگر ظریف با مظلوم نمایی و رسانه ای کردن نامه گلایه آمیز به رهبر بخاطر سریال گاندو و سعی در بی اهمیت جلوه دادن پرونده جیسون رضائیان میکند و خودش را گزینه سوخته مطرح میکند! هر چند حافظه مردم ایران سریال گاندو را فراموش نخواهند کرد.
اما حقیقتا دکتر ظریف چکار میکند!؟؟؟

پرستو مروجی

ترامپ یا دموکرات ها بهترین گزینه برای ایران کدامند؟

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_29-16_41_55_484_v2k.mp4

احمدی نژاد و پرونده های اقتصادی

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_27-15_15_37_873_rCa.mp4

مقصر اصلی معیشت مردم، احمدی نژاد

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_20-17_10_2_139_Tly.mp4

... بی‌پرده با ترامپ!

ترامپ چندی پیش بمنظور توشیح عملکردش نسبت به ایران گفت: بعد از خروج آمریکا از برجام، مشکلات در ایران شدت گرفته . تورم در آنجا بالا است. در خیابان‌ها شورش اتفاق می‌افتد (!) مردم نمی‌توانند نان بخرند! پولشان بی‌ارزش شده. آنها مجبورند مذاکره کنند.

آقای ترامپ!

ایرانیان را نشناخته‌اید. تاریخ ایران را نخوانده‌اید. این ملت برای لقمه‌ای نان، شرف فروشی نمی‌کند. پاسخ ایرانیان به شما همانی است که یعقوب لیث صفاری به معتمد خلیفه عباسی داد:

اگر در این مصاف ما پیروز شدیم که به کام خود رسیده‌ایم و اگر مغلوب شویم نان خشک و پیازی ما را بس است!

آقای ترامپ! خود کرده را تدبیر نیست. وقتی نابلدانه و زیاده‌خواهانه ایرانیان را در دو گانه خفت یا تسلیم قرار دهید جز پیروزی گزینه دیگری برای ایران وجود ندارد!

مصاف ایران با شما قرینه تدبیر هوشمندانه «طارق بن زیاد» در فتح اندلس است که با گذراندن سپاهیان لشکر اسلام از مدیترانه دستور داد جمیع کشتی‌های لشکر را سوزاندند و آنگاه به قوای تحت امرش گفت:

اکنون دیگر راه برگشتی جز پیروزی نداریم! و بدین سان اسپانیا فتح شد!

آقای ترامپ!

نابلدانه ایران را مجبور به پیروزی کرده‌اید.

#داریوش_سجادی